

۲۳۳۴

۱۳۹۴/۱۱/۲۱



نهضت آزادی ایران

۱۳۴۰

## اعلام موضع دبیرکل نهضت آزادی ایران در آستانه انتخابات

به نام خدا

در آستانه انتخابات مجلسین

پیروزی دیپلماسی، پایان تحریم‌ها و انتظارات مردم

۱- دولت آقای روحانی و تیم مسئول هدایت دیپلماسی کشور با درایت و واقع‌بینی و عبور از جوّ شعارهای مرگ خواهی با استفاده از ابزارهای مؤثر دیپلماسی توانسته است به دنبال برجام به لغو تحریم‌ها علیه ایران نیز برسد. پیش‌ازاین گستره و دامنه تحریم‌ها علیه ایران در فضای افکار عمومی چندان روشن نبود. اما اکنون که همزمان با لغو تحریم‌ها موارد مختلف آن در رسانه‌ها منتشر می‌شود، می‌توان به عمق این تحریم‌ها و نیز تأثیرات آن بر زندگی روزانه مردم پی برد.

۲- در جامعه بشری هیچ ملتی، با هر ثروت و قدرتی، بی‌نیاز از داشتن ارتباط با سایر ملت‌ها و دولت‌ها نیست. در روابط میان هر دو دولتی هم منافع مشترک و هم تضاد منافع وجود دارد. نقش و هنر دیپلماسی در هر کشوری این است که منافع مشترک را تشخیص بدهد و تعریف کند و در راستای حفظ منافع و امنیت ملی به تعامل با سایر قدرت‌ها بپردازد. تجارب طولانی در تاریخ روابط بین‌المللی میان کشورها نشان می‌دهد که با ابراز خصومت و با شعارهای مرگ خواهی هیچ دولتی موفق به جلب همکاری دولت‌های دیگر و تبدیل دشمنان یا مخالفان به دوستان نشده است. آقای روحانی به‌درستی اشاره کرده است که هر مخالفی معاند با دشمن نیست و نباید کاری

کرد که مخالف به معاند تبدیل شود. سیاستی که متأسفانه در کشور ما، چه در رابطه با گروه‌های داخل کشور و چه در رفتار با دولت‌های خارجی، نهادینه شده است. هر کشوری بر اساس منافع و امنیت ملی رابطه خود را با دولت‌های خارجی بر اساس سیاست‌ها و عملکرد آن دولت‌ها، در سه گروه‌بندی تعریف کند: دوست، مخالف و دشمن. زمامداران برخی از کشورهای توتالیتر، بر اساس ذهنیت مطلق بین و مطلق خواه و نگرش یا با منی یا بر منی، هر مخالفی را هم دشمن خود می‌دانند و در گروه‌بندی آنان فقط دوست و دشمن دیده می‌شود. علاوه بر این در این نوع حکومت‌ها وجود یا خلق واقعی یا فرضی دشمن بالفعل مطلوب و مفید است. هر یک از این سه گروه دوست، مخالف و دشمن را می‌توان در دو وضعیت بالفعل و بالقوه بررسی کرد.

نهاد دیپلماسی، علاوه بر شناخت و تعریف این گروه‌ها، یک نقش اساسی دیگری هم دارد و آن استفاده از ابزارهای دیپلماسی برای اولاً تبدیل دشمنان و مخالفان بالفعل به بالقوه است. و ثانیاً تبدیل دشمن به مخالف و مخالف به دوست است. به‌عنوان مثال دولت سعودی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران همیشه از مخالفان جمهوری اسلامی محسوب می‌شده است. اما یک زمانی مسئولان جمهوری اسلامی تلاش می‌کردند که یا دوستی عربستان را جلب کنند یا مانع ابراز مخالفت‌هایش با ایران بشوند و تا حدودی موفق هم بودند. در ماه‌های اخیر، درست برعکس این نگرش و سیاست، اقدامات رسمی و غیررسمی موجب تبدیل مخالفت عربستان به دشمنی بالفعل با ایران شده است. نتیجه آن نه فقط بحران بی‌سابقه در روابط دو کشور، بلکه با مجموعه کشورهای عربی، شده است. پس از پیروزی انقلاب، سیاست خارجی دولت موقت بر اساس استفاده از ابزارهای دیپلماسی در راستای جلب دوستی و همکاری کشورهای خارجی، بخصوص اعراب بود. پس از دیدار و گفتگویی که با صدام حسین در هاوانا (کوبا) داشتیم، صدام حسین ابراز تمایل کرد که به ایران بیاید. اما عناصر تند رو و انقلاب زده آن چنان جنجالی علیه سفر احتمالی صدام حسین به ایران به راه انداختند که سفر وی را به کلی منتهی کرد. درحالی‌که اگر می‌آمد، چه‌بسا از احتمال حمله عراق به ایران به کلی جلوگیری می‌شد. برخی از این تندروها سفر احتمالی صدام به ایران را با سفر رهبر چین به ایران در زمان شاه و پیامدهای سیاسی منفی آن مقایسه کردند. درحالی‌که اثرات منفی سفر رهبر چین به ایران انعکاس نفرت مردم از استبداد سلطنتی بود و نمی‌توان و نباید در مورد سفر صدام حسین به ایران بر آن اساس داوری و جوسازی می‌شد.

۳- اکنون با توجه به موفقیت دولت در سیاست خارجی و در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری، ما امیدواریم، و دولت را دعوت می‌کنیم در سیاست داخلی نیز از هنر مذاکره برای کاهش و حل اختلافات داخلی و هموار کردن راه برای مشارکت همه‌ی نیروهای سیاسی، چه موافق و هوادار و چه مخالف و معترض، در فرایند توسعه سیاسی استفاده نماید.

در این راستا نباید به این بهانه که ممکن است کسانی که نظام را قبول ندارند وارد نهادهای نظام شوند، به رد گسترده صلاحیت‌ها پرداخت. اولاً شورای نگهبان، بر طبق قانون موظف به احراز عدم صلاحیت است نه احراز صلاحیت. توجه باید داشته باشند که هر مخالف نظامی خواستار تغییر و سقوط نظام نیست. تجربه بسیار موفق شرکت دادن مخالفان نظام در مراکز تصمیم‌گیری نشان داده است که قبول حضور آنان تا چه میزان به نفع انسجام نظام می‌باشد. نظام سیاسی ژاپن پذیرفته و امکان داده است که حزب کمونیست ژاپن، که به‌طور اصولی نظام امپراتوری ژاپن را قبول ندارد، در انتخابات پارلمان شرکت کند و هفت یا هشت نماینده در مجلس داشته باشد. در فرانسه و ایتالیا احزاب کمونیست که به‌طور اصولی نظام حاکم بر کشورشان قبول ندارند، نه تنها حق فعالیت سیاسی حزبی را دارند، در انتخابات هم شرکت می‌کنند. آنها هیچ‌گاه نگفته‌اند که چون با نظام سرمایه‌داری حاکم بر کشورشان مخالفند، به دنبال سرنگونی آن هستند. به‌عبارت‌دیگر در یک نظام مبتنی بر مردم‌سالاری احزاب مخالف نظام هم حق حضور و شرکت را دارند و این به‌هیچ‌وجه به معنای معادل اقدام علیه نظام تلقی نشده و نمی‌شود و عملاً هم هرگز تهدیدی برای نظام نبوده‌اند. در ایران هم همه‌ی احزاب و گروه‌های مخالف، خواهان یا هوادار سرنگونی نظام نیستند. در نظام‌های مردم‌سالار، آن‌ها که معترض یا منتقد حاکمان هستند " مخالف وفادار " شناخته می‌شوند. آقای دکتر روحانی به‌درستی عنوان کرده‌اند که در جمهوری اسلامی اقلیت‌های دینی، از جمله یهودیان با ۲۷ هزار جمعیت حق دارند نماینده‌ای در مجلس داشته باشند. چرا چنین حقی برای گروه‌های سیاسی اقلیت پذیرفته نمی‌شود. علاوه بر این یادآور شده‌اند که با سیاست‌های نادرست خود، مخالف را به معاند تبدیل نکنیم.

۴ - در سالگرد انقلاب اسلامی و در آستانه انتخابات مجلسین، درحالی‌که ما مردم را به شرکت در انتخابات دعوت می‌کنیم، از آقای دکتر حسن روحانی نیز می‌خواهیم که از تمام امکانات خود، به‌عنوان رئیس‌جمهوری، استفاده کنند و در چهارچوب وعده‌هایی که داده‌اند و سوگندی که به هنگام آغاز بکار ریاست خود ادا کرده‌اند، امکان فعالیت آزاد و قانونی دگراندیشان، از جمله نهضت آزادی ایران را هم فراهم سازند. اگر در سیاست خارجی این توفیق را به‌دست آورده‌اند، چرا نباید در داخل کشور این چنین تلاشی را بیازمایند.

دکتر ابراهیم یزدی - دبیر کل نهضت آزادی ایران - تهران ۲۱ بهمن ۱۳۹۴